

روستای خرنج و تخته‌سنگ‌های افسانه‌ای

اشاره

روستای خرنج که در زبان کردی خورینج خوانده می‌شود و در ادبیات فارسی خرنج نوشته و خورنج تلفظ می‌شود، در استان آذربایجان غربی در سی کیلومتری غرب مهاباد و بر سر راه جاده مهاباد به پیرانشهر از طرف سد مهاباد قرار دارد. خرنج از توابع شهرستان پیرانشهر در زبان کردی به معنای «منطقه به رداوی» یا منطقه پوشیده از سنگ است. به گفته کهنسالانی که در این روستا زندگی کرده‌اند، خرنج یک منطقه جنگلی بوده که با گذشت زمان و در اثر سیر و سفر عشایر به یک راه ارتباطی بین پیرانشهر و مهاباد تبدیل شده است. این روستا به دلیل وجود چشمه‌های آب، محل استراحت سیاحان بوده و با گذشت زمان به یک روستای کوچک تبدیل و کم‌کم توسعه یافته و به مرور به شکل و وسعت روستای کنونی با ۶۴۰ نفر جمعیت و ۱۱۶ خانوار درآمده است (سرشماری ۱۳۸۵).

اگر از جانب سد مهاباد با استفاده از جاده مواصلاتی به پیرانشهر (که امروزه به دلیل صعب‌العبور بودن به جای آن از مسیر مهاباد - نقده برای خودروهای عمومی استفاده می‌شود) حرکت کنیم بعد از پیمودن سی کیلومتر راه پرپیچ و خم به روستای خرنج می‌رسیم که در فاصله دو کیلومتری جاده اصلی قرار دارد و با سنگ‌های زیبا و افسانه‌ای بر بالای کوه مشرف بر آن خودنمایی می‌کند. با دیدن این سنگ‌های عظیم و خارق‌العاده که از فاصله چند کیلومتری هر بیننده‌ای را مات و مبهوت می‌سازد، نیازی به پرسیدن مسیر از کسی برای پیدا کردن محل روستا و کوه نیست.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای روستایی، زمین‌گردشگری، روستای خرنج

سنگ‌های عظیم و افسانه‌ها

منطقه‌ای پوشیده از سنگ‌های خیلی بزرگ در مجاورت این روستا قرار دارد که به گونه‌ای شگفت‌انگیز روی هم انباشته شده‌اند و تکان دادن آن‌ها غیرممکن است. این سنگ‌ها معماری بی‌نظیر با تراش‌های ظریف دارند و هر یک از آنان تصویرگر اشکالی اعجاز‌برانگیز از حیوانات و اشیای گوناگون هستند و ذهن انسان را به چالش می‌کشاند. این سنگ‌ها بیشتر به افسانه‌های اسطوره‌ای شبیه هستند تا واقعیت، محدوده‌ای که این سنگ‌ها اشغال کرده‌اند، در حدود پنج کیلومتر مربع و به شکل نواری سنگی در امتداد شرقی - غربی از شمال روستا می‌گذرد.

اهالی ده و مردمان اطراف در خصوص این سنگ‌ها افسانه‌هایی ساخته‌اند؛ بعضی آن را به داستان حضرت لوط نسبت داده‌اند و می‌گویند مردم این شهر مرتکب گناه کبیره شدند و خدا عذاب را بر آن‌ها نازل کرد و مردم شهر و منازلشان تبدیل به سنگ شدند. بعضی دیگر نیز سنگ‌ها را دیوهایی می‌دانند که ظلم و جور بسیاری در حق مردم روا داشتند، مردم هم آن‌ها را نفرین کردند و در نتیجه، این قوم با منازلشان همه تبدیل به سنگ شدند و... افسانه‌های دیگر

خرنج و سفرنامه‌ها

نخستین کسی که به افسانه درباره این مکان پرداخته و آن را در کتابش نقل کرده، دیپلمات، نقاش و جهانگرد معروف علاقه‌مند به

سامان زنده‌پیل

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس



عام شده‌اند و شهرشان ویران شده است.

سرهنری راولینسون، دیپلمات و شرق‌شناس بریتانیایی و اولین مترجم کتیبه خط میخی بیستون (که با خواندن کتاب کرپورتر در اواسط قرن نوزدهم به مه‌باد آمده) به همراه کاروانی به منطقه سفر کرده است. او مکان را به نادرست، قلعه‌ای دست‌ساز تشخیص داده و آن را چنین وصف می‌کند: «قطعه سنگ‌های خرنج در سمت شمالی دره لگبین واقع است، بر فراز پشته (تپه) قلعه وسیع و محکمی قرار دارد که قسمت سرایشی اطرافش را به وسیله دیواری از سنگ‌های طبیعی محکم ساخته‌اند و در نقاطی که احتمال دسترسی و حمله از مناطق فرودست وجود دارد به وسیله دیوارهای حائل تقویت کرده‌اند.»

بهمن میرزا کریمی نیز در سال ۱۳۱۴ ش به همراه باستان‌شناس انگلیسی، **اورال استاین**، به ناحیه سفر کرده است. وی درباره آن می‌نویسد: «در کردستان همه جا از شهر افسانه‌ای خرنج داستان‌ها شنیده بودیم. شهر خرنج در کنار کوهی واقع شده که این کوه تماماً از سنگ است و ارتفاع زیادی هم ندارد، ولی قطعات بسیار بزرگی از سنگ به‌طور منظم و مرتب و به شکل صفوف انسان‌وار کنار هم چیده شده‌اند. به اندازه‌ای ردیف‌های سنگ شباهت به صفوف انسان‌ها دارند که گویی تمام این کوه را شبیه انسان از سنگ تراشیده‌اند. در داخل کوه اتاق‌هایی به شکل سنگ آن هم طبیعی موجود است. عجیب‌تر اینکه این کوه طبیعی و این دخمه‌ها و غارها و این قطعات سنگ‌های شکسته‌شده به اندازه‌ای به منزل و آدمی‌زاد شباهت دارد که عقل مبہوت می‌شود

باستان‌شناسی، رابرت کرپورتر (kerporter) انگلیسی است که در کارنامه پژوهش‌هایش کشف و شناسایی مقبره کوروش هخامنشی خوندنمایی می‌کند. وی که در سال ۱۸۲۰ قصه خرنج را از یک پیرمرد در بغداد شنیده بود، به مه‌باد و سپس روستای خرنج سفر کرد. داستان از زبان این دیپلمات چنین نقل شده است:

«شیخ تصریح کرد که در مسافتی نه چندان دور از دهکده‌ای که خرنج نامیده می‌شود، بقایای یک شهر بزرگ است که در آن تعداد بی‌شماری اشکال سنگی به شکل انسان وجود دارد. آنان در اثر قهر و غضب پروردگار و در مقابل لجاجتشان در رد کردن و نپذیرفتن دین راستین (اسلام) که به وسیله حضرت محمد (ص) آورده شده است، تبدیل به سنگ شده‌اند. وی من را برای پیدا کردن این ویرانه‌های جالب ترغیب کرد و اکنون من برای کشف حقیقت این افسانه شگفت‌انگیز در کمتر از سه فرسنگی شرق خرنج هستم. سنگ‌های عظیم و شگفت‌انگیزی که در اینجا هستند اگر به دقت بررسی شوند هیچ شباهتی به انسان سنگ‌شده ندارند و کسی درباره زمان و دلیل تجمع زیاد آن‌ها با این اشکال عظیم و فوق‌العاده اسرارآمیز در این مکان چیزی نمی‌داند.»

اما در ادامه متن بعد از چند روز گفت‌وگو و پرسش و پاسخ با مردم اظهار می‌دارد توضیحات آن‌ها مرا به این نتیجه رساند که این‌ها قبور ساکنان قدیمی ناحیه هستند و از شیوه برافراشتن سنگ‌ها بعید نیست ارمنی‌های مسیحی باشند که احتمالاً توسط مجاهدان اولیه اسلامی قتل

به چه سان دست قدرت این کوه طبیعی را چنان آماده کرده است.»

بررسی‌های ما

مطالب عنوان شده در کمال ناباوری، معلومات اشتباه و نادرست ارائه شده در سایت‌های اینترنتی موجود است که نگارنده برای مخاطبان گرمای بازگو کرد. جالب این است که حتی صدا و سیمای مهاباد نیز با اینکه به دفعات این جاذبه طبیعی را از تلویزیون نمایش داده است هرگز برای مخاطبان نسبت به جمع‌آوری اطلاعات و

تبیین علمی پدیده گامی برنداشته است. در نتیجه راز شکل‌گیری این معجزه طبیعت سر به مهر و با آمیزه‌ای از خرافات عجیب شده است.

این جانب که در عین حال بی‌نهایت شیفته مطالعات علمی از جمله علوم طبیعی همچون زمین‌شناسی، تاریخ طبیعی و فسیل‌شناسی هستم به منظور توضیح علمی این پدیده شگفت‌انگیز به همراه برادرم سیامک و یکی از دوستانم به اسم یوسف

شربی تصمیم گرفتیم به منطقه مذکور سفر کنیم و اطلاعات کامل و درست را برای ارائه به علاقه‌مندان جمع‌آوری کنیم.

قبلاً نیز بنده شبیه منظره همین کوه و سنگ‌هایش را در مستندهای علمی در کشور مکزیک دیده بودم و شک نداشتم با توجه به اینکه شبیه این پدیده در سایر نقاط دیگر جهان نیز وجود دارد، پس احتمال تشریح فرایند شکل‌گیری این سنگ‌ها به شکلی علمی زیاد است.

پس از یک ساعت پیمودن مسیر سخت با موتورسیکلت و سه سرنشین در جاده خطرناک شیب‌دار و پرپیچ و خم مهاباد - پیرانشهر از طرف سد مهاباد (که برای تردد وسایل نقلیه عمومی ممنوع است) از دور، کوه روستای خرنج با سنگ‌های شگفت‌انگیزش که واقعاً باید آن را معجزه طبیعت دانست، خودنمایی کرد. بلافاصله وارد روستا و با وسایل مورد نیاز عازم کوه شدیم. کوه نسبتاً کم ارتفاع بود و ما پس از ده دقیقه به بالای آن رسیدیم. در بین راه چشمه‌های آب مشاهده می‌شدند و در عین حال، سنگ‌ها از پایین روستا تا بالای کوه به

اشکال مختلف خودنمایی می‌کردند. وقتی بالای کوه رسیدیم واقعاً احساس کردم در جایی متفاوت و غیرقابل باور پا گذاشته‌ام. سنگ‌ها از دور واقعاً به شکل انسان‌هایی با قامت برافراشته به نظر می‌رسند که دارند بازدیدکنندگان را می‌پایند و زیر نظر دارند و این حس و حال هرگز تجربه نشده را به انسان می‌دهند. همان موقع پی‌بردم که این احساس چقدر در ساختن افسانه‌های مربوط به سنگ شدن مردم شهر باستانی در این محل تأثیرگذار بوده است. در عین حال، بسیاری دیگر از سنگ‌ها به اشکال مختلف مانند دیگر موجودات مثل لاک‌پشت و ماهی و

شیردریایی به نظر می‌رسند. عجیب‌ترین سنگ شاید همانی باشد که هشت متر ارتفاع با ساختاری دو تکه، شکلی شبیه به کف و انگشتان دست انسان دارد و من و برادرم، سیامک در دو نمای متفاوت از آن عکس گرفته‌ایم.



پراکندگی سنگ‌ها در کمال ناباوری به شکلی است که در صورت جدا شدن افراد برای گردش

تکی در میان آن‌ها، خیلی بعید است که بعدها بتوانند به شکلی اتفاقی دوباره به هم برسند و یکدیگر را پیدا کنند. بعد از تصویربرداری از سنگ‌ها و لذت غیرقابل توصیف از شگفتی، عظمت و اشکال عجیب آن‌ها بنده اقدام به ثبت جزئیات منطقه و محل مورد نظر کردم. این جزئیات در چند مورد مهم خلاصه می‌شد:

۱. سنگ‌ها فقط در یک کوه ارتفاع منفرد موجود بودند و در کوه‌های مرتفع اطراف، اثری از آن‌ها دیده نمی‌شد.
۲. کوه دقیقاً در یک اتفاق نادر به شکلی واحد در وسط یک دره و شبیه به آبراه بزرگ قدیمی قرار گرفته است که در تصاویر ماهواره‌ای به وضوح می‌توان آن را تشخیص داد.

۳. اثر فرسایش را می‌توان روی سنگ‌ها و روی ماسه‌سنگ‌های زمین مشاهده کرد. تصویری که از یک سنگ گوی‌شکل از فاصله نزدیک گرفته شده است این فرایند را به خوبی روی سنگ و ماسه‌سنگ‌های اطرافش روی زمین نشان می‌دهد.
۴. هیچ اثری روی سنگ‌ها مبنی بر اینکه بر سطح آن‌ها عملیات کنده‌کاری در گذشته انجام شده باشد، در مقیاس وسیع و مورد انتظار موجود نبود.



پیگیری‌های علمی

با ثبت جزئیات و تصویربرداری از سفر برگشته و بعد از بازگشت به دانشگاه به خدمت آقای دکتر سیاوش شایان استاد برجسته جغرافیای طبیعی و مؤلف بیشتر کتاب‌های درسی مدارس در مقاطع راهنمایی و متوسطه رسیدم. من از این دیدار تنها انتظار دریافت یک پاسخ علمی و رفع کنجکاوای ذاتی خود را داشتم. ایشان بعد از دیدن تصاویر و متأثر شدن از آن‌ها و جست‌وجو در سایت‌های اینترنتی بسیار شگفت‌زده شدند که چرا تا امروز هیچ مقاله علمی در جهت معرفی و توضیح این منطقه زیبا و خارق‌العاده ارائه نشده است و پیشنهاد دادند بنده به خدمت اساتید برجسته گروه زمین‌شناسی دانشگاه برسم تا با جمع‌آوری دیدگاه‌های آن بزرگواران که جزء اصحاب برجسته علم زمین‌شناسی کشور به حساب می‌آیند، بتوانم یک کار پژوهشی علمی به معنای واقعی کلمه برای چاپ در فصلنامه جغرافیا گردآوری کنم.

بنده نیز در دانشگاه

ترتیب مدرس، به خدمت دکتر نعمت‌اله رشیدنژاد (که جزء اساتید زمین‌شناسی و پترولوژی (سنگ‌شناسی) کشور به شمار می‌آید و تحصیلات خود را در کشور فرانسه به اتمام رسانده است) رساندم. ایشان با دیدن تصاویر و با ریزبینی و دقت تمام برای اولین بار با یک تبیین علمی دقیق و کامل پس از گذشت دویست سال از سفر بدون نتیجه اولین پژوهشگران اروپایی و غربی پرده از راز شکل‌گیری این سنگ‌ها برداشت.

ایشان با دیدن تصاویر و ظاهر سنگ‌ها بدون در دست داشتن نمونه کوچک موردی، بلافاصله جنس آن‌ها را به درستی، گرانیب تشخیص داد که قبلاً نیز این نکته در سایت‌ها با آزمایش جنس سنگ‌ها بدون تحقیق بیشتر بیان شده بود.

وی در مورد اشکال عجیب و پازل مانند سنگ‌ها اظهار داشت که این سنگ‌ها بدون شک هرگز روی پوسته زمین به این اشکال نادر شکل نمی‌گیرند و روی هم سوار نمی‌شوند و راز این قرارگیری شگفت‌انگیز پازل مانند آن است که آن‌ها یک زمانی ماگما بوده‌اند. گرانیب بودن جنس آن‌ها خود، دلیلی روشن بر ماگما بودن آن‌ها در گذشته‌های بسیار دور است. با این توضیح که جریان‌های ماگما از هسته زمین جدا شده‌اند تا خود را به پوسته بیرونی زمین برسانند، ولی فشار قوی و لازم برای شکافت پوسته و فوران از آن و تبدیل به گدازه شدن را نداشته‌اند. در نتیجه زیر کوه که آتش‌فشانی هم

نیست و هیچ دهانه‌ای برای خروج جریان ماگما ندارد به‌طور اتفاقی با شکل‌های مختلف شبیه دست انسان با لاک یک لاک پشت و گاه بدون شکل مشخصی دچار سکون و با گذشت اندک زمانی سرد شده‌اند. یکی از ویژگی‌های جریان‌های ماگما این است که بعد از سرد شدن دچار ترک‌خوردگی می‌شوند.

تا اینجای گفت‌وگو معلوم شد که منشأ و مبدأ سنگ‌ها از کجاست. در ادامه، وی اظهار داشت از اینجا به بعد ما باید موقعیت جغرافیای کوه، یعنی مکان قرارگیری‌اش را مورد توجه و بررسی قرار دهیم. با توجه به تصاویر ماهواره‌ای و اظهارات بنده وقتی ایشان متوجه شد که کوه با ارتفاع نسبتاً کم در وسط یک

دره (مسیر جریان آب اما در مقیاس کمتر) واقع شده و اثر فرسایش در بعضی تصاویر در زیر سنگ‌ها به وضوح قابل مشاهده است، اظهار داشت که الان به خوبی می‌توان فهمید موقعیت کوه برای تأثیرپذیری از عامل فرسایش شدید در اثر قرار گرفتن در مسیر رودخانه و سیلاب‌های عظیم و همچنین بارندگی و تندباد باعث شده است به مرور زمان لایه خاک بالایی

ماگماها کنار برود و ماگماها که دیگر تبدیل به سنگ‌های گرانیب با اشکال مختلف شده‌اند سر از خاک بیرون آورند و به مرور زمان و فرسایش مداوم آبی و بادی، فاصله بین ترک‌خوردگی سنگ‌ها را افزایش دهد و باعث شود آن‌ها شکلی پازل مانند به خود بگیرند. ایشان در پایان این نکته ارزشمند را نیز اضافه کرد که در نقاطی دیگر از کشور از جمله اطراف علم‌کوه نیز شبیه این سنگ‌ها وجود دارد، اما هیچ یک مانند سنگ‌های خرنج، وسیع و پر تعداد و عظیم نیستند.

بقیه اساتید محترم گروه، از جمله دکتر حسینعلی تاج‌الدین، استاد برجسته زمین‌شناسی نیز موافق و هم‌نظر دکتر رشیدنژاد بودند. بدین ترتیب با تشویق و ترغیب‌های دکتر شایان و نظر کارشناسانه ظریف و کاملاً علمی و مبتنی بر شواهد تجربی دکتر رشیدنژاد با ارائه این پژوهش، به کمک تبیین علمی، برای اولین بار طلسم راز سر به مهر شکل‌گیری سنگ‌های شگفت‌انگیز خرنج پس از گذشت هزاران سال، شکسته شد.

امیدواریم مسئولان برای معرفی این جاذبه طبیعی زیبا به تمام بازدیدکنندگان داخلی و خارجی که به قول اصحاب علم ارزش ژئوتوریستی بسیار بالایی دارد، قدم پیش نهند تا در کنار سایر روش‌های دیگر، توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه شتاب بیشتری به خود بگیرد.

